

## مطالعه تطبیقی کیفر قتل عمد در قانون مجازات ایران و عراق

سیدعلی ربانی موسویان<sup>۱</sup>، سیده پریسا اندک<sup>۲</sup>

### چکیده

دو کشور ایران و عراق به جهت تشابهات مذهبی و فرهنگی از قوانین نسبتاً نزدیکی به یکدیگر برخوردار هستند، و هر دو داعیه دار ابتدای قوانین خود بر اساس شریعت مقدس اسلام می‌باشند. یکی از قوانین موضوعه دو کشور، قانون مجازات است و از اهم جرائم مطروحه در هر دو قانون، قتل عمد می‌باشد که علیرغم ادعای مذکور مجازات‌های متفاوتی در قوانین جزایی دو کشور برای آن وضع گردیده است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با روش توصیفی و تحلیلی با مقایسه دو قانون مذکور، تفاوت‌ها و تشابهات مجازات جرم مذکور را بررسی و تبیین نماید و در نهایت میزان انطباق هر یک از دو قانون را با مبانی فقه اسلامی مشخص نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مجازات قتل عمد در قوانین کیفری ایران، قصاص و در کشور عراق یکی از سه مجازات حبس ابد یا موقت، اعدام و حبس ابد یا اعدام در نظر گرفته شده است. در ایران مجازات اصلی و اولیه جرم قتل عمد، قصاص اعلام شده و در عراق، مجازات اصلی مرتکب قتل عمدی، حبس موقت یا دائم مقرر گردیده و در موارد خاص مجازات قتل عمدی را اعدام دانسته اگر چه این موارد اکثر حالات و صور در قتل عمد را شامل می‌گردد. در این میان رئیس جمهور مستثنی بوده و به تصریح قانون مجازات عراق، کیفر اولیه و بی قید و شرط قاتل وی اعدام مقرر گشته است. در نهایت روشن می‌گردد مجازات قتل عمدی در حقوق موضوعه ایران مطابق با مبانی شرعی است حال آن که در حقوق موضوعه عراق، مبنای عرفی جای شرع را گرفته است.

**واژگان کلیدی:** قتل عمد، قصاص نفس، اعدام، حبس دائم، قانون مجازات ایران، قانون مجازات عراق.

۱- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی اسلامشهر a.rabbani110@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اسلامشهر (نویسنده مسئول)

parisaladyiranian2016@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

## مقدمه

اگرچه تاکنون پایان نامه‌های تطبیقی با موضوع جرائم میان قوانین جزائی ایران و عراق انجام شده مانند بررسی تطبیقی بزه اختلاس و یا بررسی تطبیقی جرم کلاه برداری، اما موضوع جنایت و مجازات قتل تا به حال به صورت تطبیقی میان قوانین جزایی دو کشور مورد مطالعه قرار نگرفته است.

فقهاء در تعریف قتل عمد فرموده اند: «وَهُوَ إِذَا هَاقُ النَّفْسِ الْمَعْصُومَةَ الْمُكَافِئَةَ عَمْدًا وَ عُدْوَانًا» قتل عمدی عبارت است از اخراج نفس و روح انسان به نحو عمد و عدوان به وسیله شخص دیگر (حلی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۱۹۵). حقوقدانان ایرانی نیز به تبعیت از فقها چنین بیان کرده اند: قتل عمدی عبارت است از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ۳۲). اما قانون مجازات ایران برای قتل عمد تعریفی ارائه نکرده و تنها به ذکر مصادیق بسنده نموده است.

قانون مجازات عراق جرائم و مجازات‌ها را بنابر اعتبارات مختلف به دسته‌هایی تقسیم نموده است. از نظر طبیعت جرایم آنها را در مواد ۲۰ و ۲۳ به جرم عادی و جرم سیاسی تقسیم کرده است که قتل عمدی در زمره جرایم عادی می‌باشد. همچنین جرایم را از نظر اهمیت شان به سه نوع تقسیم نموده که عبارت است از جنایت، جنحه، مخالفت. در این تقسیم بندی قتل عمد در قسمت جنایت‌ها قرار می‌گیرد. اما قانون مجازات کشور عراق نیز مانند قانون مجازات ایران تعریفی از قتل عمد ارائه نکرده است و قانون‌گذار عراقی تنها در ماده ۴۰۶ مصادیقی از قتل عمد را مطرح می‌کند.

به طور قطع مهم‌ترین و سنگین‌ترین جرائمی که باعث صدمات جسمانی بدنی می‌شود صدماتی است که منتهی به مرگ مجنی علیه می‌گردد و به یقین سنگین‌ترین مجازات را برای این جرم در پی خواهد داشت. قتل نفس از یک سمت به اصل مصونیت و غیرقابل تعرض بودن حیات انسانی که عزیزترین ودیعه است لطمه می‌زند و از سمت دیگر امنیت و انتظام جامعه را متزلزل می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ۲۶).

ایران و عراق از جمله کشورهایی هستند که اکثریت جمعیت شان را مسلمین تشکیل می‌دهند و بر همین اساس در وضع قوانین خود را مکلف به پایبندی شریعت اسلام و پیروی از فقه اسلامی می‌دانند. ماده ۲ قانون اساسی جمهوری دموکراتیک عراق مقرر داشته: اسلام دین رسمی کشور و منبع اصلی قانون گذاری است و در بند الف این ماده تاکید می‌کند: تدوین قوانینی که با احکام ثابت اسلامی تعارض دارد جایز نیست. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر داشته: «کلیه قوانین و

مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.»

سوال اصلی این مقاله از این قرار است که وجوه اشتراک و افتراق مجازات قتل عمدی قصاص در قانون ایران و قانون عراق چه می‌باشد و در نهایت کدام یک توانسته انطباق بیشتری با کتاب و سنت و مبانی فقه اسلامی پیدا کند؟ فرضیه بحث نیز چنین است که تفاوت‌های آشکار در برخی از وجوه قوانین جزایی دو کشور در باب قصاص و اعدام در قتل عمد نشان می‌دهد قانون جزایی عراق در باب اعدام در قتل عمدی بیشتر به سمت عرف تمایل پیدا کرده تا قوانین جزایی ایران و فاصله بیشتری از اصول و مبانی فقهی و شرعی یافته است.

مباحث تحقیق در چهار قسمت ارائه می‌گردد ابتدا به تعیین کیفر قتل عمد در قوانین جزایی دو کشور پرداخته می‌شود و در سه قسمت بعد، شرایط، کیفیت اجرا و موارد سقوط مجازات قتل عمد به تفکیک قانون هر کشور ارائه می‌گردد و در پایان به صورت تطبیقی نتیجه گیری خواهد شد.

## ۱- نگاهی کوتاه و گذرا به قانون مجازات عراق و جایگاه مجازات قتل عمد در این قانون

قانون مجازات عراق توسط فرمانده کل نیروهای اشغالگر انگلیسی در عراق در تاریخ ۲۱ ماه نوامبر سال ۱۹۱۸ صادر شده و از تاریخ اول ژانویه سال ۱۹۱۹ به موقع اجرا گذاشته شد. این قانون به نام قانون بغداد نامگذاری شد زیرا قابل اجرا در حکومت بغداد بود، با توضیحاتی که با قانون بغدادی منتشر شد در صورت نیاز امکان تغییر و اصلاح و یا حذف قوانین وجود داشت به این ترتیب قانون مجازات بغداد وضع و با زبان انگلیسی منتشر شد، حتی در ۲ سال اول ترجمه عربی آن نیز وجود نداشت و اولین ترجمه عربی آن در سال ۱۹۲۱ منتشر شد بعد از ترجمه قانون عربی دادگاه‌هایی که مجری قانون بودند دچار مشکلاتی شدند زیرا با سه کتاب قانون مواجه می‌شدند (قانون انگلیسی، قانون ترجمه شده به عربی و قانون اصلاح شده که در اثر تعارض بین دو قانون متعارض، یعنی قانون اصلی و ترجمه شده نگاشته شده بود) بعد از تلاش برای انتخاب بهترین قانون بین این سه قانون، بالاخره قانون اصلی که به زبان انگلیسی نگاشته شده بود تایید شد اما تمام این‌ها کفایت نکرد و از آنجا که جامعه همواره و روز به روز رو به پیشرفت بود، مطالبات جامعه مدرن باعث ایجاد تحولی در قانون بغداد شد، وزارت دادگستری هیاتی را به منظور ایجاد قوانین جدید تشکیل داده و قوانین پیشنهادی را وضع کردند و بارها و بارها طی چند سال این کار را تکرار کردند تا این که آخرین نسخه کامل قانون مجازات عراق در سال ۱۹۵۷ به تصویب رسید اما هیچ

گونه رونوشتی از آن تا زمان صدور و نشر تهیه نشد و به وسیله این قانون، حیات قانون بغدادی که توسط نیروهای اشغالگر انگلیس در حدود پنجاه و اندی سال در عراق وضع کرده بودند به پایان رسید.

در تقسیم بندی کتاب قانون مجازات عراق قانون گذار چهار مبحث را با چهار عنوان و چهار کتاب مورد بررسی قرار داده است، کتاب اول در ارتباط با قوانین عمومی و عامه قانون مجازات است و کتاب دوم در ارتباط با جرم‌های ضد مصلحت عمومی در قانون مجازات عراق گنجانیده شده است و کتاب سوم در ارتباط با جرایم علیه افراد مورد بررسی قرار گرفته شده است و کتاب چهارم در ارتباط با مخالفت‌ها و تمرد و سرپیچی مورد بحث واقع شده است، هر یک از کتاب‌های قانون مجازات خود به باب‌ها و سپس به فصل‌ها و بعد به بخش‌های مجزا تقسیم شده است که کتاب اول از ماده ۱ تا ۱۵۵ و کتاب دوم از ماده ۱۵۶ تا ۴۰۴ و کتاب سوم از ماده ۴۰۵ تا ماده ۴۸۶ و کتاب چهارم از ماده ۴۸۷ تا ۵۰۶ را شامل می‌گردد. مبحث مجازات قتل نفس که مورد پژوهش پژوهنده است در کتاب سوم گنجانیده شده است و مورد استثناء آن قتل رئیس جمهور است که در کتاب دوم مورد بحث قرار گرفته شده است. باب اول از کتاب سوم جرائم مربوط به زندگی انسان و سلامت بدن او است که فصل اول از این باب و این کتاب به قتل عمدی اختصاص پیدا کرده است.

## ۲- کیفر قتل عمد در قوانین جزایی ایران و عراق

در این قسمت ابتدا کیفر قتل عمد در قانون مجازات ایران و سپس در قانون مجازات عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱- کیفر قتل عمد در قانون مجازات ایران

از موجبات قصاص در حقوق ایران قتل نفس و نقص عضو و جراحت است که با توجه به موضوع پژوهش از قسمت دوم آن صرف‌نظر کرده و به قسمت اول آن می‌پردازیم. همان طور که ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی اشاره نموده موجب قصاص نفس، قتل عمد است به این توضیح که، موجب قصاص نفس از بین بردن جان انسان بی گناه از روی عمد است طبق شرایطی که خواهد آمد قصاص نفس در صورتی ثابت می‌شود که شخص، انسان بی گناهی را نه از روی قصاص و نه در مقام دفاع به طور عمد بکشد.

در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، بدون این که از قتل عمدی تعریفی به عمل آمده باشد به ذکر مجازات آن اکتفا کرده است به موجب ماده مزبور: «مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و

تعزیر عمل می‌گردد» و در ماده ۲۸۹ جنایت بر نفس، عضو و منفعت را تقسیم بندی نموده و در سایر موارد به بررسی مصادیق جنایت پرداخته است.

## ۲-۲- کیفر قتل عمد در قانون مجازات عراق

ماده ۴۰۵ قانون مجازات عراق، مجازات قتل عمد را حبس ابد یا موقت مقرر داشته است و در قسمت اول ماده ۴۰۶ مجازات ۹ مورد از موارد قتل عمد را اعدام معرفی کرده و در قسمت دوم این ماده مجازات ۳ مورد از موارد قتل عمد را اعدام یا حبس ابد معین نموده است.

بند اول ماده ۴۰۶ قانون مجازات عراق قتل عمدی را در موارد ذیل موجب مجازات اعدام می‌داند: هر کس که انسانی را عمداً در یکی از حالات زیر به قتل برساند به مجازات اعدام محکوم می‌شود: الف) هر گاه قتل با کمین کردن و آمادگی قبلی اتفاق بیافتد، ب) هر گاه قتل به وسیله سم یا ماده منفجره یا ترقه اتفاق بیافتد، ج) هر گاه قتل با انگیزه پست یا در مقابل مزد یا با شیوه ای بی رحمانه در ارتکاب جرم اتفاق بیافتد، د) هر گاه مقتول از اصول (افراد درجه یک) قاتل باشد، ه) هر گاه قتل بر روی شخصی کارمند یا افسر خدمت عمومی در طول انجام وظیفه یا خدمت و یا به سبب آن اتفاق بیافتد، و) هر گاه قاتل اقدام به قتل دو نفر و بیشتر نماید و فقط یکی از آنها را به قتل برساند، ز) هر گاه قتل را عمداً با یک جرم یا بیشتر و یا برای آغاز آن جرم مرتکب شود، ح) هر گاه قتل را به عنوان مقدمه برای ارتکاب جرم دیگری یا جنایتی که مجازات آن حداقل یک سال حبس می‌باشد، یا این که قتل را برای تسهیل در انجام آن جرم یا برای تمکین دیگر مجرمان یا شریکان برای ارتکاب و یا برای فرار یا رهایی آنها از مجازات مرتکب شود، ط) هر گاه مجرم به خاطر قتل عمدی به زندان ابد محکوم شود و در خلال مدت حبس، مرتکب قتل عمدی یا شروع به آن در طول مدت اجرای مجازات شود. طبق بند دوم ماده ۴۰۶ قانون مجازات عراق در موارد ذیل قتل عمد موجب قصاص یا حبس ابد می‌گردد: الف) هر گاه مجرم قصد به قتل رساندن یک نفر را داشته باشد ولی فعل او منجر به قتل یک نفر و بیشتر شود، ب) هر گاه مجرم بعد از به قتل رساندن مقتول بدن وی را مثله (قطعه قطعه) کند، ج) هر گاه مجرم به زندان ابد به سببی غیر از مورد مذکور در قسمت ط بند اول این ماده (یعنی به دلیلی غیر از قتل عمد) محکوم شود و در طول مدت حبس، مرتکب قتل عمدی شود.

### ۳- شرایط قصاص در قانون مجازات ایران

#### ۳-۱- شرایط ثبوت قصاص

طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. طبق این ماده هر قتل عمدی موجب قصاص نیست بلکه قتل عمدی در صورت وجود شرایط پیش بینی شده در قانون موجب قصاص است.

مقنن جمهوری اسلامی ایران علاوه بر عمدی بودن قتل لازمه موجب قصاص بودن چنین قتلی را وجود شرایط خاص در قاتل و مقتول می‌داند.

#### ۳-۲- شرایط قاتل

بلوغ: اولین شرط در عمدی بودن قتل، بلوغ قاتل است و آن رسیدن به حد معین سنی است که شخص قانوناً دارای شخصیت حقوقی کامل و مسئول اعمال، رفتار و حتی احياناً، عقاید خویش و متحمل نتایج آنها می‌گردد (ذاکری، ۱۳۷۷، ۱۳۲). افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه سال و پانزده سال تمام قمری است.» به موجب ماده ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی: «اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند، در صورت عدم اقامه بینه، قصاص نفس منتفی است، اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را ثابت کند تا قصاص ساقط شود در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.»

عقل: یکی دیگر از شرایط قتل عمدی موجب قصاص در قاتل، عاقل بودن وی می‌باشد. هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد. در بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر شده است: «اگر جنایت به وسیله صغیر یا مجنون ارتکاب یابد خطای محض محسوب می‌شود.» این بند از قانون مجازات اسلامی نشان دهنده شرط عاقل بودن قاتل در زمان ارتکاب جرم می‌باشد.

قاتل پدر یا جدپدیری مقتول نباشد: طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد. اگر مادر فرزندش را بکشد قصاص می‌شود.

### ۳-۳- شرایط مقتول

محققون الدم بودن: به موجب ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات ذکر شده در بندهای این ماده قانونی باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود: ۱- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است. ۲- (این مورد مربوط به قصاص عضو بود که از بحث ما خارج است). ۳- مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود. ۴- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶. ۵- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

بنابراین کشتن کسی که شرعاً و قانوناً مستحق قتل است و اصطلاحاً مهدورالدم نامیده می‌شود و از آن جمله اند زانی و زانیه محصنه و مرتکبان بعضی از جرایم مستوجب حد که سه بار آن جرم را تکرار کرده و بعد از هر بار حد جاری شده و برای بار چهارم مرتکب گردیده، هیچ کدام موجب قصاص نمی‌گردد. به طور کلی کسی که به موجب قانون مستحق مرگ است کشتن او موجب قصاص نخواهد بود (آقایی نیا، ۱۳۹۲، ۱۱۴).

عقل: از دیگر شرایط قصاص آن است که مقتول عاقل باشد و جنون مقتول موجب می‌شود که قتل عمدی موجب قصاص نشود (آقایی نیا، ۱۳۹۲، ۱۱۴ و ۱۱۵). اما چنین حکمی در مورد قتل صغیر جاری نیست و قتل صغیر از سوی بالغ موجب قصاص است.<sup>۱</sup> جنایت عمدی نسبت به نابالغ، موجب قصاص است.

برابری در دین: شرط دیگر قصاص تساوی قاتل و مقتول در دین است. بر اساس این شرط مسلمان در برابر کشتن کافر کشته نمی‌شود چه کافر حربی باشد چه کافر ذمی (شهیدثانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۵۶). ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که... مجنی علیه عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.» البته مقصود این است که یا قاتل در دین نسبت به مقتول برابر باشد و یا نسبت به او پایین تر باشد لذا کافر در برابر مسلمان قصاص می‌شود اگر چه در دین با او مساوی نیست. ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر گاه غیرمسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستامن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است.»

۱- ماده ۳۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در نگاهی کوتاه شرایط قتل عمدی که موجب قصاص می‌شود در قانون مجازات ایران عبارت است از: الف) شرایط قاتل که خود به سه قسمت تقسیم می‌شود: بلوغ، عقل، قاتل پدر یا جدپدری مقتول نباشد ب) شرایط مقتول که این قسمت نیز به سه مورد تقسیم می‌شود: عدم استحقاق قتل، عاقل بودن، مسلمان بودن که به توضیح هر یک به طور مختصر پرداخته شد.

### ۳-۴- شرایط اجرا

شرایط اجرای قصاص طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی ایران عبارت است از: تقاضای ولی دم: تقاضای قصاص یا عفو از آن به ولی دم مقتول واگذار شده است، در همین خصوص ماده ۴۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارند و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند، مستحق قصاص است.» در ارتباط با اولیاء دم مقتول اگر تعدد ولی دم وجود داشته باشد حق قصاص برای هر یک از آنها ثابت است و همچنین اگر تعددی از اولیاء دم خواهان قصاص و تعددی نیز خواهان دیه و یا عفو مرتکب باشد همسر مقتول که در عفو و یا قصاص طبق قانون حق مداخله ندارد از آنان که خواهان دیه می‌باشند، ارث می‌برد. در هر صورت در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیه دیگران را در صورت گذشت آنان به مرتکب و در صورت درخواست دیه به خود آنان بپردازد. در تمام این موارد پرداخت دیه به قاتل باید قبل از قصاص صورت گیرد اگر برخی از اولیای خون بر دیه مصالحه کنند، بنابر قول مشهورتر، حق قصاص از او برای سایر اولیای خون محفوظ است (شهیدثانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۷۴). همچنین اگر برخی از اولیاء دم کبیر و عاقل خواهان قصاص باشند، می‌توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تامین سهم دیه مولی علیه خود از سوی آنان باشد باید مطابق خواست او عمل کنند مفاد این ماده در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می‌شود نیز جاری است.

همچنین در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن، غایب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غایب به تعویق می‌افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشتن آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غایب، به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنان پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می‌نماید، کسانی که حاضرند، می‌توانند پس از تامین سهم غایبان در دادگاه قصاص کنند و اگر حاضران گذشت



کنند یا با او مصالحه نمایند، حق قصاص غایبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن خواهان قصاص باشند باید نخست سهم دیه کسانی را که گذشت نموده اند یا با مرتکب مصالحه کرده اند به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند (آقایی نیا، ۱۳۹۲، ۱۵۵).

پرداخت دیات مقرر: شرط دیگر اجرای قصاص، لزوم پرداخت دیه‌های مقرر در قانون است در صورتی که قاتل مرد و مقتول زن باشد یا قاتل متعدد و مقتول واحد باشد ولی دم مقتول برای استیفاء قصاص از مرد و قاتلین متعدد باید تفاضل دیه را اول پرداخت نماید، بعد قصاص را استیفاء کند (صادقی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۵۵). زمان پرداخت دیه در کلیه موارد قبل از اجرای قصاص است.

اذن ولی امر: ولی خون، اگر یک نفر باشد می‌تواند خودش بدون اذن امام قصاص را اجرا کند، اگر چه بهتر است که از امام اذن بگیرد به ویژه در مورد قصاص عضو اگر اولیای خون چند نفر باشند اجرای قصاص منوط بر اذن همگی آنان است، بنابر قولی از اولیای خون آنان که حاضراند می‌توانند قصاص را اجرا کنند و در این صورت نسبت به سهم‌های سایرین از دیه ضامن خواهند بود (شهیدثانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۷۳). چنانچه ولی دم بدون استیذان و یا با وجود عدم اذن ولی امر قاتل را قصاص نماید تعزیر می‌شود. این امر در ماده ۴۲۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است.

بعد از وجود تمام شرایطی که در قانون مجازات ایران ذکر شد قاتل با کیفیت اجرای قصاصی که بیان خواهد شد مجازات می‌شود.

#### ۴- شرایط ثبوت اعدام به سبب قتل عمدی در قانون مجازات عراق

سن: سن یک عامل اصلی در ارتکاب جرائم می‌باشد که در هر کشور و تمدنی مورد توجه قرار گرفته است به طوری که در تمامی کشورهای جهان کودکان را مجازات نمی‌کنند و تنها در صورت شدید بودن نوع جنایت آنها را در محل‌های مرتبط با این موضوع مانند کانون اصلاح تربیت نگهداری می‌کنند. قانون‌گذار عراق نیز این مورد را از نظر خود گذرانده است و ماده ۶۴ قانون مجازات خود را به این بحث اختصاص داده و کودکانی که هفت سالگی خود را به پایان نرسانیده اند را مجازات کیفری نمی‌کند و در ماده ۶۴ قانون مجازات خود برای نوجوانان هفت تا هجده سال نیز تدابیری غیر از مجازات کیفری در نظر گرفته است.

عقل: یکی از شرایط اعدام به سبب قتل عمدی در قانون عراق، عاقل بودن قاتل است. همان طور که در ماده ۶۰ قانون عقوبات عراق بیان شده است، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد کسی که هنگام ارتکاب جرم ادراک خود را از دست داده باشد یا این که اراده خود را به دلیل جنون یا یک مشکل روانی از دست بدهد یا به سببی از اسباب مست یا تخدیر شده باشد به دلیل استفاده از مواد مست‌کننده یا مخدر که بدون دخالت

جانی مورد مصرف قرار گرفته باشد، یا به هر اسباب دیگری که به موجب آن، این شخص اراده و ادراک خود را از دست داده است و... مرتکب تنها زمانی مجازات می‌شود که دارای ادراک و قوه تمییز باشد.

دارای عقل بودن جانی در هنگام ارتکاب جرم دلیل بر صحت انجام جرم است اگر چنانچه جانی دارای جنون در هنگام ارتکاب جرم باشد طبق ماده ۶۰ قانون مجازات عراق، مجازات نخواهد شد این در صورتی است که مرتکب جنایت اراده خود را به سبب مصرف موادمخدر یا مست کننده یا روان گردان و... از دست نداده باشد در این صورت اگر مرتکب جنایت عمدی بر دیگری شود مجازات نمی‌شود و چنانچه از بطن ماده بر می‌آید این نوع جنایت را غیرعمدی یا شبه خطایی متصور شده‌اند، لذا در ماده ۶۱ همین قانون تصریح شده است چنانچه ادراک و اراده خود را در نتیجه استفاده از موادمخدر یا مست کننده و با اختیار و با علم از دست داده باشد به دلیل جرمی که واقع شده مجازات می‌شود، هر چند به دلیل یک قصد خاص این اتفاق افتاده باشد و در صورتی که موادمخدر یا مست کننده را از روی عمد استفاده و به هدف ارتکاب جرم انجام داده باشد در این صورت از عوامل مشدده جرم محسوب می‌شود. چنانچه مشاهده می‌شود داشتن عقل برای ارتکاب جرم شرط مجازات است. پس اگر زمانی قاتل دارای عقل نباشد مجازات نخواهد شد و چنانچه عقل خود را به قصد ایجاد جنایت به سبب مصرف موادمخدر یا مواد مست کننده یا به هر سبب دیگری زایل کرده باشد به شدیدترین مجازات محکوم می‌شود.

عدم اکراه: شرط دیگر اعدام در قتل عمدی مورد اکراه واقع نشدن جانی است که در ماده ۶۲ به آن اشاره شده و این ماده مقرر می‌دارد: «مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد کسی که به ارتکاب جرم اکراه شده باشد چه به وسیله قوه مادی و چه به صورت یک قوه معنوی به نحوی که قدرت دفع آن را نداشته باشد.»

قانون گذار در ماده ۶۲ قانون مجازات عراق اکراه شونده را مصون از مجازات دانسته است به طوری که قدرت دفع آن را نداشته باشد و در ماده ۴۳۰ در مورد مجازات اکراه کننده مقرر می‌دارد: «به حداکثر هفت سال محکوم می‌شود هر کس که دیگری را با جان یا مال او و یا مال دیگری یا با اسناد مربوط به آبرو یا افشای آنها تهدید کند و هدف از آن درخواست چیزی یا فرمان به کاری یا امتناع از فعلی یا به منظور آنها باشد و به همان مجازات محکوم می‌گردد هر گاه تهدید در یک نامه بدون اسم یا منسوب به گروهی مخفی موجود یا ادعا شده اتفاق افتد.»

عدم ضرورت: از دیگر موانع مسئولیت جنایی در قانون مجازات عراق، ضرورت است که ماده ۶۳ این قانون آن را پیش بینی کرده است و مقرر می‌دارد: «بازخواست نمی‌شود کسی که مرتکب جرمی شود که ضرورت آن را پیش آورده باشد و برای دفاع از نفس یا شخص دیگری یا مالش یا مال دیگری از یک خطر بزرگ که او عمداً باعث ایجاد آن خطر نبوده و قدرت منع این خطر به روش دیگری را نداشته باشد به

شرط این که فعل تشکیل دهنده جرم مناسب با خطر باشد.» این ماده با بیان این موضوع که ضرورت مانع مسئولیت کیفری است، دفاع از نفس را نیز در خود گنجانیده است. این ماده می‌تواند با ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ایران همخوانی داشته باشد زیرا هر دو دفع ضرری را در نظر گرفته اند که فرد قادر به دفع آن نیست مگر با ارتکاب جنایت.

## ۵- کیفیت اجرای قصاص در مجازات ایران

بر اساس ماده ۴۳۶ قانون مجازات ایران قصاص نفس فقط به شیوه‌های متعارف، که کمترین آزار را به قاتل می‌رساند جایز است و مثله کردن او پس از قصاص ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» است. قصاص نیست مگر با شمشیر یا چیزی که جایگزین آن است و ضرب بر گردن کفایت می‌شود گر چه جنایت به آتش کشیدن یا غرق کردن باشد (حلی، ۱۴۰۹، ۲۹۱). از سویی تعدادی از فقها بر قصاص نفس مطابق رفتار مرتکب معتقد هستند و قصاص با تفنگ و مانند آن در صورتی که برای جانی از قصاص با شمشیر آسان تر باشد، جایز می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۹۵). چه بسا از عبارت «شیوه‌های متعارف، که کمترین آزار را به قاتل می‌رساند» در ماده فوق الذکر، بتوان استفاده کرد، از روش‌های دیگری همچون تزریق آمپول‌های کشنده، خوراندن سم، قطع کردن سر قاتل با گیوتین و ابزارهای مشابه، اتصال برق به او و... نیز می‌توان برای کشتن جانی استفاده نمود.

بر اساس ماده ۴۳۷ قانون مجازات ایران زن حامله که محکوم به قصاص است نباید پیش از وضع حمل قصاص شود و اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند قصاص به تاخیر می‌افتد. مستند شرعی وضع این ماده آیه قرآن است که اسراف در قصاص را جایز نمی‌داند زیرا کشتن جنین، اسراف در قتل محسوب می‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۸، ۳۸۰). اگر جانی زن باردار باشد تا زمان وضع حمل از او قصاص نمی‌شود و در باردار بودن و نبودن، قول زن پذیرفته می‌شود اگر چه ماماها شهادت ندهند (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۷۵).

بنابر ماده ۴۳۷ قانون مجازات ایران اگر پس از اجرای قصاص نفس، قاتل زنده بماند حق قصاص برای ولی دم محفوظ است. یکی از مشکلاتی که در برخی موارد (هر چند بسیار نادر) به وجود می‌آید زنده ماندن قاتل پس از اجرای قصاص است. از آنجا که قصاص نفس به معنای خارج کردن روح از جسم قاتل می‌باشد، تا زمانی که قاتل در این وضعیت قرار نگیرد قصاص صورت نمی‌گیرد. لذا اگر پس از اجرای قصاص نفس، قاتل زنده بماند حق قصاص برای ولی دم محفوظ است؛ لکن اگر وی را به گونه ای که جایز نیست قصاص کرده باشد، همان طور که ادامه ماده مذکور مقرر داشته در صورتی که قاتل آسیب ببیند

مشروط به شرایط قصاص عضو از جمله عدم خوف تلف ولی دم، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس قاتل باید حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند، قاتل حق قصاص او را ندارد.

## ۶- کیفیت اجرای اعدام در قانون مجازات عراق

در ارتباط با کیفیت اجرای اعدام در قانون مجازات عراق چیزی پیش بینی نشده است، بنابراین نگاهی به آیین دادرسی کیفری نظامی عراق مصوب ۱۹۴۱ در این موضوع خالی از لطف نیست. در این قانون در مورد نحوه اجرای حکم اعدام شرایط ذیل مقرر گردیده است:

مکان اجرای حکم: این قانون در ماده ۱۸۸ خود مکان اجرای حکم را در زندان و یا هر جای دیگری که قانون تصریح می کند دانسته است. طبق نص صریح قانون عراق، اجرای مجازات اعدام می تواند به صورت علنی و در هر مکانی خارج از زندان، صورت پذیرد.

شورای ناظر بر اجرای حکم: یکی از گام‌هایی که جدیداً در حوزه ساختار اجرای مجازات‌ها در نظر گرفته شده است، استفاده از یک قاضی در هنگام اجرای حکم است. مسئولیت این قاضی نظارت کامل و مستقیم بر نحوه اجرای مجازات است. این نظارت قضایی به دلیل مؤثر بودن آن بر تحقق مفهوم و مضمون اجرای مجازات، صورت می‌پذیرد. این ساختار نظارت را می‌توان به سه نوع اصلی تقسیم نمود: نظارت دادگاهی که حکم را صادر کرده است. ورود یک دادگاه مستقل برای انجام مأموریت نظارت. یک کمیته تلفیقی و ترکیبی متشکل از دو گروه فوق که بهترین ساختار برای نظارت محسوب می‌شود و سلامت اجرای مجازات را تضمین می‌کند. در ماده ۲۸۸ از آیین دادرسی کیفری عراق به تشکیل شورای ناظر بر اجرای مجازات‌ها اشاره صریح صورت گرفته است. طبق قانون، شورای ناظر از یک قاضی کیفری، یکی از اعضای دادستانی کل کشور (در صورت امکان حضور او)، نماینده‌ای از وزارت کشور، رئیس زندان، پزشک زندان و یا هر پزشک دیگری که به نمایندگی از وزارت بهداشت معرفی شده باشد، تشکیل می‌شود. مفاد ماده ۲۸۸ آیین دادرسی کیفری در عراق نشان می‌دهد که این کشور ساختار سوم نظارت بر اجرای مجازات‌ها را در دستور کار خود قرار داده است؛ یعنی کمیته ترکیبی که پیشتر بدان اشاره شد.

روش‌های اجرای مجازات اعدام: از جمله مهم‌ترین روش‌های اجرای مجازات اعدام در قانون، به دار آویختن، تیرباران، استفاده از ماشین اعدام گیوتین، استفاده از صندلی الکتریکی، استفاده از اتاق گاز و همچنین تزریق کشنده است. با این حال، قانون عراق هیچ یک از روش‌های مذکور به جز روش اعدام به وسیله به دار آویختن را مدنظر قرار نداده است؛ هر چند که این قانون در برخی موارد، استثنائاً روش

دیگری را نیز پیش‌بینی کرده که آن، اعدام به وسیله تیرباران است؛ روشی که تنها علیه نظامیان به کار گرفته می‌شود. در مورد کیفیت اجرای اعدام در قانون عراق در موادی<sup>۱</sup> از قانون آیین دادرسی کیفری این کشور اشاره شده است.

## ۷- موارد سقوط قصاص در قانون مجازات ایران

حق قصاص پس از ثبوت، ممکن است به جهت موانع متعددی به طور کلی یا موقت ساقط شود، سقوط قصاص نفس در حقوق ایران نیازمند وجود یکی از جهات ذیل می‌باشد: فوت قاتل و عدم دسترسی به متهم، گذشت مقتول، گذشت ولی دم.

فوت قاتل و عدم دسترسی به متهم: یکی از موارد سقوط قصاص، بر اساس ماده ۴۳۵ قانون مجازات ایران فوت قاتل و عدم دسترسی به او می‌باشد. طبق این قانون هر گاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار دسترسی به مرتکب ممکن نباشد یا درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها دیه از بیت المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

اگر قاتلی که دادگاه عمل او را غیر عمد تشخیص داده ولی اولیای دم خواهان قصاص او بوده اند فوت نماید اولیای دم می‌توانند مطالبه دیه نمایند<sup>۲</sup> (شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۷۵، ۱۳۴). مردن گاهی واقعی

۱- ماده ۲۸۵: الف) فرد محکوم به اعدام تا زمان انجام مقدمات اجرای حکم، در زندان نگهداری می‌شود. ب) حکم اعدام تنها با فرمان ریاست جمهوری و بر اساس احکام مواد ذیل اجرا می‌شود.

ماده ۲۸۶: اگر دادگاه استیناف حکم اعدام صادره را مورد تأیید قرار داد، می‌بایست متن حکم نهایی را برای وزیر دادگستری ارسال کند تا او نیز مراتب را به ریاست جمهوری جهت صدور فرمان اجرای حکم، ابلاغ کند. پس از ابلاغ مراتب به ریاست جمهوری، رئیس‌جمهور یا فرمان اجرای حکم را صادر می‌کند و یا مجازات جایگزین را در نظر می‌گیرد و یا برای محکومین حکم عفو صادر می‌کند. در صورتی که ریاست جمهوری، فرمان اجرای حکم را صادر کند، وزیر دادگستری موظف است ضمن صدور دستورات مقتضی در این خصوص، مراحل قانونی جهت اجرای حکم را انجام دهد.

ماده ۳۰۵: اگر فرمان عفو عمومی برای محکومان صادر شد، محاکمه آن‌ها به صورت نهایی متوقف می‌شود و افراد متضرر از جرائم این حق را دارند که برای احقاق حق خود به دادگاه‌های مدنی مراجعه نمایند.

ماده ۳۰۶: صدور فرمان ریاست جمهوری برای عفو خصوصی موجب ساقط شدن مجازات‌های اصلی و فرعی خواهد شد.

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۴۹-۷/۱۱/۶-۷۲ اداره حقوقی قوه قضائیه

است و گاهی فرضی می‌باشد. ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی ایران مردن فرضی را پیش بینی کرده است: «حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.» در صورت موت فرضی نیز قصاص ساقط می‌شود اما چنانچه غایب پیدا شود پرونده به جریان می‌افتد و قرار موقوفی تعقیب صادره، اعتبار امر مختومه را ندارد (زراعت، ۱۳۹۳، ج ۲، ۴۱۱).

فرار مرتکب قتل عمد ممکن است به صورت‌های مختلفی باشد از جمله این که بلافاصله پس از ارتکاب قتل فرار کند و بدون حضور در هیچ یک از مراحل دادرسی محکوم به قصاص شود، در مرحله تحقیقات مقدماتی یا بخشی از آنها حضور داشته و قبل از محاکمه فرار کند، بعد از محاکمه و صدور حکم فرار کند، پس از قطعیت حکم و قبل از اجرای آن فرار کند. در هر صورت تفاوت وجود ندارد که فرار قاتل قبل از تعقیب و محاکمه یا بعد از آن باشد.<sup>۱</sup> اما هر گاه متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی حضور داشته و شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد، دیه مقتول از محل وثیقه تادیه خواهد شد (زراعت، ۱۳۹۳، ج ۲، ۴۱۱).

گذشت مقتول: طبق ماده ۳۶۵ قانون مجازات ایران در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد مطالبه قصاص نفس یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

در این رابطه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. نظر مشهور فقها با قانون کنونی منطبق است و علتش آن است که مجنی علیه را تا زمانی که زنده است صاحب این حق می‌دانند. محقق نجفی در این باره می‌فرماید: «اگر مجنی علیه به صراحت بگوید که جنایت و سرایت آن را مورد عفو قرار دادم چنین گذشتی نسبت به جنایت‌هایی که هنگام گذشته تحقق یافته است که همان دیه یا قصاص عضو و جراحت می‌باشد، صحیح است اما در مورد صحت قصاص یا دیه نفس و ابراء آن اختلاف نظر وجود دارد؛ شیخ طوسی در کتاب خلاف، آن را صحیح دانسته و گفته شده است که وی تمایل به این نظریه دارد همان گونه که شهید اول در کتاب غایة المرام و شهید ثانی در کتاب الروضة البهیة و مقدس اردبیلی در کتاب مجمع البرهان همین دیدگاه را پذیرفته اند (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۴۳۰). اما عده ای معتقدند که قصاص حق اولیای دم است، اگر مجنی علیه قصاص نفس را ببخشد قصاص نفس ساقط نمی‌شود، چون قصاص نفس، حق ولی است نه مجنی علیه، بنابراین عفو او تاثیری ندارد. همچنین گذشت از دیه نیز

تأثیری ندارد زیرا دیه پس از مرگ ثابت می‌شود. بنابراین اسقاط دیه قبل از مرگ، اسقاط مالیم یجب است که تأثیری ندارد (خوئی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۱۸۲). عده ای نیز جانب احتیاط را برگزیده اند و احتیاط را در مصالحه دیده اند (کرمی، ۱۳۷۷، ۷۷).

گذشت ولی دم: طبق ماده ۲۷۵ قانون مجازات ایران قتل عمد موجب قصاص می‌باشد ولی با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر تبدیل خواهد بود. در این خصوص متون قانونی دلالت ندارد بر این که گذشت اولیاء دم باید قبل از صدور حکم قصاص باشد بلکه بعد از صدور حکم هم گذشت اولیاء دم موثر می‌باشد<sup>۱</sup>. بر اساس قواعد عمومی، گذشت یا مصالحه ممکن است در مراحل مختلفی صورت گیرد از جمله قبل از تعقیب، بعد از تعقیب و قبل از کیفرخواست، بعد از کیفرخواست و قبل از صدور حکم قطعی، بعد از صدور حکم قطعی. گذشت ولی دم در هر مرحله از قصاص باعث سقوط قصاص است و قاتل قصاص نمی‌شود. ممکن است برخی از اولیای دم پس از شروع به قصاص و قرار گرفتن طناب بر گردن جانی از قصاص گذشت کنند و این موضوع موجب ورود صدماتی بر جانی گردد، در این خصوص ماده ۴۳۳ قانون مجازات ایران مقرر نموده است: «اگر مجنی علیه یا همه اولیای دم پیش از قصاص یا در حین اجرای آن از قصاص مرتکب گذشت کنند، قصاص متوقف می‌شود و آنان ضامن خسارتی که در حین اجرای قصاص به مرتکب رسیده است نمی‌باشند...» بنابراین اگر گذشت ولی دم هنگام اجرای حکم، صدمات روحی و جسمی زیادی به جانی وارد کند در اینجا گر چه اولیای دم، مباشر در ورود صدمات هستند اما سبب آن شخص جانی است پس اولیای دم مسئولیتی برای جبران خسارت‌ها ندارند. همچنین قاعده اقدام، این حکم را تایید می‌کند.

## ۸- موارد سقوط اعدام در قانون مجازات عراق

بر اساس قوانین کشور عراق حق اعدام پس از ثبوت، ممکن است به جهت موانع متعددی به طور کلی یا موقت ساقط شود. طبق ماده ۱۵۰ قانون مجازات عراق اسقاط مجازات بنابر یکی از دلایل ذیل است: فوت متهم، عفو عمومی، گذشت مجنی علیه از مجرم در مواردی که قانون آن را بیان کرده است. ماده ۱۵۱ قانون مجازات عراق مقرر می‌دارد: «حکم جزایی صادره در مورد جرم یا اقدام پیشگیرانه به وسیله عفو عمومی یا گذشت و عفو مجنی علیه در حالت هایی که قانون آن را مشخص نموده و نیز با گذشت مدت توقف اجرایی حکم بدون این که مرتکب فعلی شود که آن را لغو نماید ساقط می‌شود و اعتبار وی بر

می‌گردد<sup>۱</sup> و مجازات‌های اصلی و تبعی و تکمیلی و اقدامات پیشگیرانه با ساقط شدن حکم بنا بر یکی از دلایل مذکور در بند قبلی و یا با فوت محکوم علیه یا عفو خاص ساقط می‌شود.»

فوت متهم: احکام تفصیلی در فصل دوم از باب ششم قانون مجازات عراق بیان می‌دارد هر گاه فوت محکوم علیه قبل از تغییر حکم نهایی باشد جرم از او ساقط می‌شود و همه اثرات این حکم از بین می‌رود مگر اثرات بر شخصی که علیه او در دادگاه مدنی صالح اقامه دعوی شده باشد اما اگر بعد از تغییر حکم نهایی فوت کند مجازات و اقدامات پیشگیرانه محکوم به آن از او ساقط می‌شود به جز مجازات‌های مالی مانند جزای نقدی و رد مال و اقدامات پیشگیرانه مالی همانند مصادره و پلمپ محل زیرا این مواد بعد از فوت محکوم علیه به صورت ماترک برای ورثه باقی می‌ماند.

گذشت مقتول: قانون مجازات عراق در ارتباط با گذشت مقتول در ماده ۱۵۰ تصریح کرده است که گذشت مجنی علیه از عوامل سقوط مجازات است و هیچ شرایط خاصی برای سقوط مجازات اعدام قرار نداده است. اما با نگاهی به قانون آیین دادرسی عراق نیز می‌توان نظری به گذشت مقتول بیان داشت. طبق ماده ۳۳۸<sup>۲</sup> این قانون اگر فرد قربانی از شکایت خود گذشت و رضایت داد، دادگاهی که حکم را صادر کرده و یا دادگاه جایگزین آن، آزاد است تا در جرائمی که می‌توان بر سر آنها مصالحه داشت، بازپس‌گیری شکایت را قبول کند هر چند که پرونده به مراحل پیشرفته رسیده باشد. همچنین ماده ۳۴۱ این قانون اعلام می‌دارد: دادگاه پرونده حقوقی را در طول ده روز از زمان صدور حکم، جهت تأیید و یا تجدیدنظر در آن به دادگاه استیناف ارسال می‌کند. در این حالت، دادگاه استیناف از اختیاراتی برخوردار است که در این قانون به آن‌ها اشاره شده است.

۱- مقصود از رد اعتبار بنا بر نص ماده ۳۴۲ قانون اصول المحاکمات الجزائیه عراق عبارت است از کل من حرم من بعض الحقوق و المزایا یتمتضی احکام قانون العقوبات سبب الحکم علیه فی جنایت جنحه یرد اعتباره و فق الاحکام المنصوص علیه فی هذا الباب.

۲- الف: فرد قربانی و یا کسی که به صورت قانونی نمایندگی وی را بر عهده دارد، می‌تواند درخواست بازپس‌گیری شکایت را به دادگاه ارائه دهد. ب: اگر قربانیان چند نفر باشند، آن گاه رضایت یکی از آنها کافی نیست و تنها زمانی با درخواست رضایت موافقت می‌شود که همگی آنها رضایت دهند. ج: اگر محکومین چند نفر باشند، آن گاه رضایت از یک یا شماری از آنها به مثابه رضایت از همگی‌شان نبوده و این رضایت قابل تعمیم به دیگران نیست. د: اگر جرائم رخ داده از جمله جرائمی باشد که مصالحه بر سر آن جایز است، دادگاه درخواست رضایت و بازپس‌گیری شکایت را قبول می‌کند. و: امکان صرفنظر از درخواست رضایت و بازپس‌گیری شکایت وجود ندارد؛ اگر ارائه درخواست رضایت، مشروط به شرطی باشد، مورد پذیرش واقع نمی‌شود.



عفو عمومی: یکی از مواردی که منحصر در قانون عراق است عفو در اعدام در قتل عمدی است که در دو مبحث عفو عمومی و عفو خاص مورد تحلیل قرار گرفته است. عفو عمومی از طریق قانون صادر می‌شود و تمامی اثرات مجازات همراه با حکم محکومیت ساقط می‌شود و هیچ یک از اثرات مجازات‌های اجرا شده قبلی باقی نمی‌ماند مگر آن که قانون عفو به غیر از آنها را تشریح کند و همچنین هر گاه قانون عفو عمومی جزئی از مجازات محکوم را عفو نماید در حکم عفو خاص بوده و احکام عفو خاص جاری می‌شود. عفو عمومی حقوق شخصی دیگران را عفو نمی‌کند. عفو خاص به دستور حکومت صادر می‌شود و توسط این حکم، همه یا بعضی از مجازات‌های نهایی یا قطعی ساقط یا تبدیل به مجازات خفیف‌تر در قانون می‌شود. اگر مجازات توسط عفو خاص مورد گذشت واقع شود آثار جزایی و مجازات‌های تبعی و تکمیلی و اقدامات پیشگیرانه آن ساقط نمی‌شود و اثر مجازات‌های قبلی را از بین نمی‌برد و همچنین همه این موارد در صورتی است که عفو خاص خلاف آن را ذکر نکند.

در این رابطه قانون عراق بدون در نظر گرفتن حقوق شهروندان خود عفو عمومی را اجرا می‌نماید که اعمال این بند با حق آزادی انتخاب در رابطه با اعدام در قتل عمد در تعارض است. به نظر می‌رسد در قوانین جزایی کشور عراق در مورد اعدام در قتل عمدی گاهی قوانین ملایم و گاه بیش از حد نرمی در این کشور اجرا می‌شود و در مورد جرم قتل عمدی چه بسا در مواردی حق اولیاء دم نادیده گرفته شده است اما با استنباط از مواد قانونی قانون آیین دادرسی این کشور می‌توان گفت که اگر چه قانون مجازات به صورت خیلی ریز وارد مباحث و تشریفات نشده است و دارای نواقص و کاستی‌هایی درباره اعدام و نحوه اجرا و تشریفات است لیکن با وجود برخی مواد قانونی در آیین دادرسی این کاستی و نواقص تا حدودی جبران شده است. در این میان تنها بالاترین مقام سیاسی این کشور از امتیاز اعدام در مرتبه اول برخوردار است، به این صورت که اگر شخصی به طور عمد رئیس جمهور کشور عراق را به قتل برساند در همان مرتبه اول اعدام می‌شود در حالی که درباره شهروندان عادی این موضوع کاملاً متفاوت است و در مرحله اول و دوم حبس موقت و حبس دائم لحاظ می‌شود و در مرتبه آخر اعدام به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در موارد<sup>۱</sup> دیگری قانون مجازات عراق کیفر جنایت موجب مرگ عمدی اشخاص دیگر را حکم اعدام در نظر نگرفته است و تنها مرتکب را به مجازات حبس محکوم نموده است.

۱- ماده ۳۴۵: به حداکثر پانزده سال زندان محکوم می‌شود هر کس با هدف به خطر انداختن زندگی مردم ترقه‌ها یا مواد منفجره را به کار گیرد. پس هر گاه به وسیله به کار بردن مواد منفجره و ترقه‌ها ضرر سنگینی به اشخاص وارد آید یا موجب مرگ انسانی شود محکوم به زندان ابد یا موقت می‌گردد.

از طرف دیگر قانون گذار عراق با توجه به مصلحت جامعه و حفظ نظم آن در پاره ای از جرایم اگر چه منجر به قتل هم نشده باشد، برای فرد خاطی حکم اعدام را در نظر گرفته است که از جمله این موارد جرم‌های مرتبط با امنیت کشورهای خارجی می‌باشد که شامل مواد ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، بند دوم ماده ۱۶۱ و ماده ۱۶۲ است. همچنین قانون گذار در ارتباط با جرایم مربوط به امنیت داخلی نیز سخت گیری کرده و مجازات اعدام را در مواد ۱۹۰، ۱۹۱، بند سه ماده ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰ جای داده است. در باب سوم از کتاب دوم قانون مجازات عراق که مربوط به جرایم علیه مقامات دولتی است نیز در ماده ۲۲۳ مجازات اعدام را مقرر داشته است. علاوه بر این موارد در مبحث آتش سوزی و ترقه بازی و جرایم مخصوص غرق شدن و منافع عمومی و همچنین حمله به ایمنی حمل و نقل و وسایل مواصلاتی عمومی که شامل مواد ۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۴ می‌باشد مجازات اعدام دیده می‌شود.

ماده ۳۵۷: به حداکثر سه سال حبس و حداکثر سیصد دینار جزای نقدی یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌گردد هر کس که به صورت عمدی سنگی یا چیزی را به سوی قطار یا کشتی یا هواپیما یا هر وسیله نقلیه عمومی دیگر پرت کند به طوری ممکن باشد به آن وسیله یا یا شخصی ضرری وارد آید و هر گاه فعل او سبب جراحت یا آزار به شخصی که در قطار یا کشتی یا هواپیما یا هر وسیله دیگری هست شود به مجازات حبس محکوم می‌شود و اگر فعل او سبب مرگ انسانی شود محکوم به زندان می‌شود.

ماده ۳۵۹: به حبس یا پرداخت غرامت محکوم می‌شود هر کسی که عمداً خطری را برای سلامت وسایل نقلیه مخصوص به هر روشی ممکن ایجاد کند و اگر فعل او موجب مرگ انسانی شود به زندان محکوم می‌شود.

## نتیجه گیری

با توجه به مباحث گذشته می‌توان وجوه اشتراک و وجوه افتراق در موضوع مجازات قتل عمد را در قانون مجازات ایران و قانون مجازات عراق در چهار جهت ذیل ارائه نمود: مجازات قتل عمد، در شرایط، در کیفیت اجرا، در موارد سقوط.

- وجوه اشتراک و وجوه افتراق مجازات قتل عمد: قوانین هر دو کشور مجازات سنگینی برای این جرم در نظر گرفته‌اند. قتل عمد از موجبات قصاص نفس در کشور ایران و اعدام در کشور عراق می‌باشد. قانون مجازات عراق ارتکاب این نوع جنایت را در حالات و شرایط خاص از جمله قتل با مواد منفجره یا سمی و یا با کمین کردن قاتل و یا اجیر شدن قاتل و یا با داشتن انگیزه ای پست و یا با داشتن قصد قتل بیش از یک نفر و یا هنگامی که همراه با ارتکاب جرمی دیگر گردد و... موجب اعدام می‌داند، حال آن که در قانون ایران هر قتل عمدی که دارای شرایط مقرر در قانون باشد بدون محدودیت به مصادیقی خاص موجب قصاص است. در قانون عراق قتل رئیس جمهور از جمله جنایاتی است که حکم قطعی آن اعدام است اما در مورد سایر آحاد اجتماع، اعدام را جز در مراحل بعدی و در صورت تکرار و یا تحت شرایط خاص به عنوان اولین مجازات مدنظر قرار داده نشده است. در حالی که قانون ایران میان رئیس جمهور و سایر آحاد جامعه در خصوص حکم قصاص تفاوتی قائل نشده و حق قصاص را برای تمامی اولیای دم مقتول بدون تبعیض محترم شمرده است. در مورد قتل عمد در قانون عراق سه گونه مجازات متفاوت در نظر گرفته شده است. حبس ابد یا موقت، اعدام، اعدام یا حبس ابد. در حالی که در قانون ایران برای قتل عمد تنها یک نوع مجازات در نظر گرفته شده است و آن هم قصاص است. در قانون مجازات ایران در صورت گذشت اولیای دم و یا مصالحه، قاتل به تعزیر مقرر در قانون، محکوم می‌شود، در حالی که قانون عراق مصلحت جامعه را در ارتباط با قتل عمد در نظر نگرفته و در قانون مجازات این کشور هیچ سخنی درباره مجازات بعد از عفو و یا مصالحه به میان نیامده است.

- وجوه اشتراک و وجوه افتراق در شرایط مجازات قتل عمد (شرایط قصاص و اعدام): در قانون ایران در شرایط قصاص، هم شرایط قاتل و هم شرایط مقتول هر دو در نظر گرفته شده است حال آن که در قانون عراق تنها به شرایط قاتل در قتل عمد توجه شده است. در شرایط قاتل در قانون ایران سه مورد که از جمله بلوغ، عقل و پدر و جد پدر نبودن قاتل مورد بحث قرار می‌گیرد اما در قانون عراق شرایط قاتل در چهار مبحث عقل، مورد اکراه واقع نشدن قاتل، ضرورت و همچنین سن مورد بررسی قرار می‌گیرد. عقل و بلوغ هر دو از شرایط قاتل در دو کشور ایران و عراق است و مورد توجه هر دو قانون گذار قرار گرفته است.

اما انتفاء ابوت در قاتل از شرایط اختصاصی قانون ایران است. در قانون ایران شرایطی برای مقتول نیز ذکر شده است که عبارت است از: عدم استحقاق قتل، عاقل بودن قاتل و برابری در دین، این موارد در قانون عراق پیش بینی نشده است و به نظر می‌رسد که اگر مقتول در دین با قاتل برابر نباشد و یا این که قاتل زن و مقتول مرد باشد بدون رد فاضل دیه با وجود شرایط در ماده ۶۱ قانون عراق مرتکب قتل عمد، اعدام می‌شود و یا به حبس ابد و یا زندان محکوم می‌گردد. در قانون مجازات عراق شرایط خاص و مدونی برای اجرای اعدام در نظر گرفته نشده است و برای اجرای آن نیازی به تشریفات قانونی ویژه ای به چشم نمی‌خورد اما با مراجعه به آیین دادرسی این کشور می‌توان تشریفات ذیل را در مورد اجرای حکم اعدام ملاحظه نمود: لزوم نگه داری محکوم تا زمان اجرای حکم در زندان، نیاز به استیذان از رئیس جمهور جهت اجرای حکم، اجرای قصاص به روش انحصاری اعدام مگر در مورد نظامیان که روش تیرباران اعمال می‌گیرد. در حالی که در قانون مجازات ایران، اجرای قصاص دارای شرایط و تشریفات است که عبارت اند از: تقاضای ولی دم، پرداخت دیات مقرر، اذن ولی امر، استیفاء قصاص.

- وجوه اشتراک و وجوه افتراق در کیفیت اجرای مجازات قتل عمد: در قانون ایران در ارتباط با کیفیت اجرای قصاص مواردی پیش بینی شده از جمله این که زن حامله محکوم به قصاص نفس را نمی‌توان قصاص کرد و تا زمان وضع حمل باید منتظر ماند و حتی اگر بعد از وضع حمل نیز ترس به خطر افتادن جان طفل باشد تا زمان رفع خطر قصاص انجام نمی‌شود. همچنین قصاص نفس به شیوه متعارف و با کمترین آزار باید باشد و همچنین اگر قاتل پس از قصاص زنده ماند حق قصاص برای اولیای دم محفوظ می‌ماند و چنانچه در این زمان آسیبی به قاتل برسد که شرایط قصاص عضو را دارا باشد حق قاتل برای قصاص عضو، مصالحه و یا گذشت محفوظ است و باید پیش از اجرای قصاص نفس حق قاتل مبنی بر مصالحه یا قصاص استیفاء شود. در حالی که قانون مجازات عراق در مورد کیفیت اجرای اعدام نیز ساکت است و تنها می‌توان از قانون آیین دادرسی این کشور استفاده کرد که اعدام به صورت به دار آویختن روش انحصاری در اجرای اعدام است به استثناء نظامیان که اجرای اعدام در مورد آنها به روش تیرباران صورت می‌گیرد. همچنین این قانون برای اجرای اعدام محل و مکان خاصی را در نظر نگرفته و می‌توان اعدام را داخل و یا خارج از زندان بنا بر دستور قانون انجام دهند و همچنین برای بهتر اجرا شدن حکم، شورای ناظر تشکیل می‌شود که در زمان اجرای حکم (اعدام) باید در محل اجرا حضور داشته باشند.

- وجوه اشتراک و وجوه افتراق در مورد سقوط مجازات قتل عمد: در قوانین دو کشور ایران و عراق فوت قاتل و عدم دسترسی به وی، گذشت مجنی علیه پیش از وقوع جنایت و گذشت ولی دم پس از وقوع جنایت از عوامل سقوط مجازات است. البته به حق گذشت ولی دم در هر مرحله از رسیدگی، تعقیب و

اجرای حکم در متن قانون مجازات ایران تصریح گردیده است در حالی که قانون مجازات عراق برای اولیای دم مقتول چنین حقی را پیش بینی نکرده و برخورداری از این حق برای اولیاء مقتول در قانون آیین دادرسی این کشور مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین سقوط حکم اعدام در قتل عمد از طریق عفو عمومی و خصوصی از اختصاصات قانون عراق است.

با دقت نظر در مورد مقایسه‌های صورت گرفته و با قرائن و شواهد موجود در قوانین جزایی عراق مانند این که در شرایط مجازات قتل عمد، انتفاء ابوت را شرط ندانسته بلکه بالعکس در صورتی که قاتل از بستگان درجه یک باشد مجازات آن را اعدام دانسته و یا این که برابری در دین را شرط ندانسته و در مجازات مرد در برابر زن تفاضل دیده را لحاظ نکرده و بلکه خیلی روشن تر هیچ نامی از قصاص و دیه به میان نیاورده مشخص می‌شود قانون گذار عراقی در وضع قوانین جزایی اولین و مهم ترین مباحث فقه اسلامی در این باب مانند مباحث حدود و قصاص و دیات را در نظر نگرفته و همچنان متأثر از قوانین موضوعه غربی است. بنابراین مجازات اعدام نیز که در قانون مجازات عراق وضع شده در واقع ربطی به قصاص در شریعت اسلامی ندارد و چیزی جز تعزیر حکومتی و مجازاتی عرفی نیست. البته از آنجا که قانون مجازات کشور عراق چند صباحی است از قانون بغداد جدا شده است و در مقایسه با قوانین جزایی ایران از سابقه کمتری برخوردار است طبیعی است از این جهات نسبت به قانون ایران دارای کاستی‌هایی باشد. تطبیق حاضر میان قوانین جزایی دو کشور نشان می‌دهد که علیرغم ادعای قانون اساسی و برخی پژوهشگران عراقی مبنی بر مطابقت قوانین موضوعه عراق با موازین شرعی و فقه اسلامی، فاصله قوانین کشور عراق از شرع، بیشتر از فاصله قوانین موضوعه ایران از مبانی فقهی اسلامی است و قانون گذار عراقی نسبت به قانون گذار ایرانی در وضع قوانین بیشتر مایل به عرف و متأثر از آن شده است.

## منابع

- آقای نیا، حسین، ۱۳۹۲، **حقوق کیفری اختصاصی**، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان.
- حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ هجری قمری، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، جلد چهارم، انتشارات استقلال.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ هجری قمری، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، جلد هجدهم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۳۹۳، **مبانی تکملة المنهاج**، ترجمه علیرضا سعید، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خرسندی.
- خمینی، سیدروح اله، ۱۴۰۳ هجری قمری، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، تهران، منشورات المکتبه الاعتماد.
- ذاکری، حجت اله، ۱۳۷۷، **بررسی و تحلیل قتل عمد و مجازات آن در اسلام**، تهران، انتشارات بهشت اندیشه.
- زراعت، عباس، ۱۳۹۳، **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی**، بخش قصاص، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- شهری، غلامرضا؛ ستوده جهرمی، سروش، ۱۳۷۵، **نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه**، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی.
- شهیدثانی، زین الدین الجبعی العاملی، ۱۳۸۰، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، جلد سوم، قم، انتشارات دارالتفسیر.
- صادقی، محمدهادی، ۱۳۹۵، **جبران خسارت در جنایت**، جلد اول، تهران، انتشارات میزان.
- کرمی، محمدباقر، ۱۳۷۷، **مجموعه استفتائات فقهی و نظریات حقوقی راجع به قتل**، تهران، انتشارات فردوسی.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۱، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۱۳ هجری قمری، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد دوم و چهل و دوم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون العقوبات العراقی ۱۹۶۹